

موافق اطلاعی که بدست آوردیم زندانیان سیاسی از « زندان قصر » تهران به نقاط بد آب و هوای زیرین تبعید شده اند : پرویز حکمت جو به برازجان ، علی خاوری بزاهدان ، مهندس پیروزی به خرم آباد ، معتمدی به بندر عباس ، آوانسیان به کرمان . تبعید این رفقا نتیجه مبارزه دلیرانه آنها در زندان است . ما بدین عمل جابرانه رژیم شدت معترضیم .

# ماهی نامه

# مردم

## ارکان مرکزی حزب توده ایران



رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو در زندان

نامه سرگشاده رفقا  
حکمت جو و خاوری  
به نخست وزیر

متن این نامه را در صفحه ۸ قرائت فرمائید

## پیام به همه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد های مشخصی در باره ایجاد صندوق انتخاباتی و اخذ رأی در خارج از کشور و تنظیم لیست مشترک میدهد .

## حزب توده ایران گرم فعالیت است



آصف رزم دیده



صابر محمد زاده

و پایدار است ، گرم فعالیت است ، زنده است میرزمد .

از آن هنگام که حزب مارا « منحل » اعلام کرده اند تا کنون حزب بارهانی روی پایان ناپذیر فعالیت انقلابی خود را نشان داده است . در سالهای اخیر بارها سازمان امنیت و شهربانی

بقیه در صفحه ۶

خبر کشف مطبعه حزب توده ایران ، چاپ و انتشار « ضمیمه مردم » و « شعله جنوب » در تهران ، درهشت حاکمه و درافکار عمومی تأثیر متضادی داشته است ، هشت حاکمه را متعجب و متوحش ، مردم را شادمان کرده است . معلوم میشود حزبی که آنرا هیچده سال « منحل » اعلام میکنند کماکان باقی

بقیه در صفحه ۶

دوستان گرامی ! بنا به اعلام مراجع رسمی دولتی صحنه سازی انتخابات فرمایشی و تحمیلی یکبار دیگر روز ۱۲ مرداد ماه ۱۳۴۶ در کشور ما برپا میشود . معرکه گردانان این نمایش ' دو حزب دولتی ایران نوین و مردم ' هم اکنون کرسی های مجلس ۱۲ و مجلس سنا و حتی مجلس باصلاح مؤسسانی که قرار است انتخاباتش در همانروز یکجا با انتخابات مجلسین انجام گردد ، بین خود تقسیم نموده اند . در باره ماهیت این قبیل انتخابات که در محیطی مختنق و عاری از هرگونه آزادی صورت میگیرد حاجت باستدلال نیست . در جریان ۱۴ سال اخیر حکومت مطلق شاه نه تنها اصول مسلمة قانون اساسی ایران را در باره حدود اختیارات سلطنت ، دولت و مجلسین زیر پا گذارد ، بلکه ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از مردم ایران سلب کرده است . احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک با خشونت آمیز ترین وسائل سرکوب میشوند و در برابر هرگونه فعالیت سازمانی و تبلیغی آنها با زندان و شکنجه و کتله پاسخ داده میشود . از آزادی بیان و قلم و اجتماعات که در زمره ابتدائی ترین مبانی دموکراسی و مهمترین حقوقی است که قانون اساسی برای قاطبه مردم ایران شناخته است با شدت هرچه تمامتر جلوگیری میشود و ابراز هرگونه مخالفتی با سیاست رژیم بزور ترور پلیسی خاموش میگردد . صد ها از بهترین فرزندان خلق به جرم معتقدات سیاسی و اجتماعی خود با شرایط رفت باری در زندانها و تبعیدگاهها بسر میبرند . اینها واقیعات غیر قابل تردید و منظره روشن

## تشریح های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

### بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

تشریح های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر سوسیالیستی اکتبر در تاریخ پنجم ژوئن ۱۹۶۷ انتشار یافت . این سند مهم تاریخی که از يك مقدمه کوتاه و سه بخش و ۲۲ تشریح تشکیل مییابد با تکیه بر واقیعات انکار ناپذیر تاریخی ، ضرورت زوال نظام بهره کشی و تحقق اندیشه های سوسیالیسم علمی را به ثبوت میرساند . چنانکه در مقدمه تشریح قید گردیده است انقلاب اکتبر طی پنجاه سال گذشته نیروی شکست ناپذیر خود و خصلت پایدار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم را به مردم سراسر جهان نشان داده است . اینک انقلابی که با اکتبر کبیر آغاز شد کشتش مییابد ، استحکام میپذیرد و پیروز میگردد . سوسیالیسم امروز صد ها میلیون و فردای تمام جامعه بشری است .

### بخش ۱ - راه قهرمانانه مبارزه و خلاقیت

پیروزی کامل و نهائی سوسیالیسم در اتحاد شوروی نتیجه ای است که اهمیت جهانی تاریخی دارد . در تشریح پس از تشریح عوامل عینی و ذهنی که به پیروزی انقلاب اکتبر منجر شد گفته میشود : انقلاب سوسیالیستی توطئه یا کودتائی از بالا نیست که بدست گروهی از « انقلابیون فعال » انجام گیرد بلکه جنبش و مبارزه مییونها است که در رأس آن طبقه کارگر برهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی قرار دارد . حزب لنین در سال ۱۹۱۷ نمونه شگرف ابتکار

بقیه در صفحه ۵

## اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

از چندین پیش در اپوزیسیون ضد رژیم پدیده تأسف انگیز ، زبان بخش و در عین حال عبرت آموزی بروز کرده است . افراد و گروههای معین - چپ رو و چپ نماها - زیر هدف ها و شعار های مشخص در عمل « متحد » شده اند . بررسی علل بروز این پدیده ، افشاء ماهیت این اتحاد نامقدس و هدفهای آن و مشخص کردن راه مبارزه با

### چپ روها و چپ نماها کیستند؟

قبل از هر چیز این نکته باید روشن بقیه در صفحه ۷

## باز هم در باره

## کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران

الف) متوقف شدن جریان اعدام افسران نتیجه کارزار بین المللی بسیار وسیعی بود که بنا بابتکار و فعالیت جدی حزب توده ایران و پشتیبانی و همکاری صمیمانه احزاب و سازمانهای دموکراتیک و انقلابی جهان انجام گرفت. دهها و صدها سند این کارزار وسیع بین المللی در جریان آن دوران موجود است؛

ب) در دوران گرفتاری و بازپرسی و دادرسی رفیق شهید خسرو روزبه بار دیگر حزب متبکر و سازمانده یك کارزار وسیع دیگر در مقیاس ایران و جهان گردید که متأسفانه نتوانست دست درخیم را باز دارد. در این دوران نیز ما از مداخله جمهوری توده ای چین کمترین اطلاعی نداریم؛

ج) در جریان گرفتاری و دادرسی ۱۴ نفر متهمین بسوء قصد (نیکخواه و دوستان وی) حزب توده ایران در کارزار تبلیغاتی وسیعی که همه نیروهای اپوزیسیون در آن شرکت داشتند شرکت وسیع و مصممانه ای کرد. چنانکه میدانیم این رفقا متهم بودند که دارای مهر و پیوند فکری با مواضع سیاسی رهبران حزب کمونیست چین هستند. در این دوران نیز نه رادیو پکن و نه جرائد و مجلات جمهوری توده ای چین دفاعی از این رفقا بعمل نیاوردند یا لاقلاً ما نشنیده ایم که بعمل آورده باشند؛

د) در جریان کارزار تبلیغاتی برای نجات جان بجنوردی، خاوری و حکمت جو بار دیگر نه تنها اقدامی از طرف مقامات چینی صورت نگرفت، بلکه بنا بگزارشی که در دست است طی کنفرانس اتحادیه های جهان (منعقد در صوفیه) نمایندگان چین حاضر نشدند و رقه هیستگکی را که همه هیئت های نمایندگان حاضر در آن کنفرانس امضاء کرده بودند، امضاء نمایند.

این واقعیات است ولی آنچه که در جزوه مورد بحث گفته شده است ادعای بدون دلیلی است که هدفهای سیاسی معینی را تعقیب میکند.

کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران تنها از طرف هیئت حا که و یا از آن نوع که نامبردم دنبال نمیشود، بلکه متأسفانه از طرف برخی محافل اپوزیسیون ضد رژیم نیز چنین آوازهائی بگوش میرسد. مطبوعات متعلق بسازمانهای اپوزیسیون لحن ضدتوده ای خود را در این اواخر تشدید کرده اند. برخی از این سازمانها آشکارا اعلام داشته اند که محو حزب توده ایران شرط پیروزی انقلاب ایران است!

در صفوف اپوزیسیون برای این کارزار ضد توده ای محملهای تئوریک عرضه میگردند. نگارنده در مقاله خود تحت عنوان «بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیروهای اپوزیسیون» شمه ای از این محملهای تئوریک را مطرح ساخته و پاسخ حزب را در برابر آنها بیان کرده است. در همین شماره حاضر «مردم» نیز در این زمینه بحثهای لازم دیگر انجام گرفته است و لذا نیازی به تکرار آن مطالب در این مقاله نیست. تنها میخواهیم

به خلقهای ایران در درون سینه ام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پودم وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم. اینست چهره واقعی خسرو روزبه، سرباز فدakar خلق و حزب.

اگر در ایران هیئت حا که نام روزبه قهرمان ملی ایران را میآید و میکوشد تا نام حزب توده ایران را نیز بدست وی بیآید، در خارج از ایران با شیوه های دیگری بجانب همین مقصود میروند.

در برابر ما جزوه ایست بنام «خسرو روزبه» با تصویری از او. این جزوه چنانکه در ظهر آن اعلام شده، از انتشارات «انجمن دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا» است. معلوم نیست که اداره کنندگان این «انجمن شمال کالیفرنیا» کیانند و اگر در واقع یك سازمان دانشجویی است، چه کسانی انتشار چنین جزوه ای را بر آنها تحمیل کرده اند، ولی مهر و نشان اسلوب ویژه «سیا» در اینجا نیز مشهود است. در این جزوه کوشیده اند نه با آلودن و تحقیر نام روزبه، بلکه بانجلیل و تقدیس او، وظیفه حمله بحزب توده ایران را انجام دهند. در اینجا خسرو، آن «توده ای ماجراجویی» نیست که به «جنایات» حزب خود «اعتراف» میکند، بلکه آن انقلابی قهرمانی است که از رهبران حزب توده ایران بجان بیزار است. در این جزوه که نگارندگان آن هر گونه تحریف تاریخی را ضرور شمرند، در میان انواع دعاوی شگفت ناگهان شما

یك دعوی از همه شگفت تر برمیخورید. صحبت بر سر جریان گرفتاری افسران توده ای و اعدام جمعی چند گروه از آنهاست. نویسندگان جزوه مینگارند: «اینها (یعنی ارتجاع و استعمار) مصمم بودند تا خاک ایران را با ریختن خون تمام افسران و درجه داران دستگیر شده بیش از همیشه رنگین سازند و شاید هم اگر تهدید دولت جمهوری توده ای چین به اعدام متقابل زندانیان امریکائی در چین نبود، این امر بطور کامل انجام میگرفت، ولی امپریالیستهای امریکائی بمحض تهدید دولت جمهوری توده ای چین به نوکران خود در ایران دستور دادند تا بقیه زندانیان را تنها به زندانهای طولانی محکوم نمایند.»

هیچ معلوم نیست نویسندگان جزوه این مطلب را از کدام منبع نقل میکنند. چنین خبری در هیچ جا و در هیچ منبع کمترین انعکاسی نیافته است و برای اولین بار است که پس از بیش از دوازده سال از وقوع حادثه گفته میشود. بهر صورت حزب ما از وجود چنین تهدیدی بکلی بی اطلاع است ولی آنچه که حزب ما در باره آن اطلاع کافی دارد واقعیات زیرین است:

تبریز نمایشهای پر شور دانشجویان خارج کشور، پخش وسیع مطبوعات مخفی ما در ایران، کشف مطبوعه حزب توده ایران نشان داد که مردم ایران و سازمانهای اپوزیسیون و حزب ما علیرغم تمام مساعی جابرانه رژیم زنده اند و پیدارند و می رزمند. این واکنش خشن برای آنستکه بقول خود سمندر نسوختنی نهضت را در شعله جهنی اتهامات خاکستر کنند. دلیل سوم تدارک توشه معنوی سفر

آنی شاه به واشنگتن است. آنتی کمونیسم محتوی اساسی این توشه است شاه به دوستان ما و آقاانوس خود میگوید: آقاان، نگران نباشید، بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی بمعنای انصراف از مبارزه علیه کمونیسم نیست. من کماکان یك آنتی کمونیست سرسخت و بیگنر هستم. اما اینکه تا چه اندازه ای این مرهم بر قلب رنجور امپریالیسم کارگر است، روشن نیست. ولی بهر جهت این یکی از اسلوه های سابقه دار رژیم است. احضار «چهارده تن سران حزب توده» و تجدید محاکمه غیابی و محکومیت غیابی آنها نیز که چندی پیش انجام گرفت، از اجزاء همین اسلوب است.

اما درباره آنچه که از قول خسرو روزبه در باره حزب ما نوشته اند ما فقط یك پاسخ میدهیم: سند اصیل گفتار خسرو روزبه در آستانه مرگ یعنی دفاعات او دردست ماست و هزاران تن از آن آگاهند. خسرو در این سند شوراکنیز چنین گفت:

«حزب توده ایران اصولی ترین و مشکلترین حزب دوران پنجاه ساله مشروطیت ایران است. بزگترین صفت میزه این حزب جاذبه انقلابی آنست، حزبی است که بر حسب ضرورت تاریخی بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوری و جهان بینی علمی است. حزب توده ایران این افتخار را دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و بخاطر منافع مردم تلاش میکند.»

«حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبع بشر دوستی و احترام به انسانیت و خدمت بمردم آب میخورد. ما میخواهیم برای همیشه به استعمار انسان از انسان که ما در همه مفاسد اجتماعی است خاتمه دهیم.»

«ما هر اقدامی که کرده ایم علیه طبقات حا که، علیه حکومت تحت نفوذ طبقات حا که و بفتح توده های خلق، بفتح دهقانان و کارگران و سایر طبقات محروم و تحت فشار بوده است. همه اقدامات ما بر اساس تأسیس حکومت ملی، حکومت مردم بر مردم و استقرار حق حاکمیت ملی و بخاطر اعتلاء و آزادی و سربلندی و افتخار و استقلال میهن عزیزمان بوده است.»

من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت

کارزار تبلیغاتی هیئت حا که علیه حزب توده ایران چنانکه در شماره پیشین «مردم» نیز بدان اشاره کرده ایم بالا گرفته است. جرائد دولتی بویژه اطلاعات کیهان، آژنگ، خواندنیها، فرمان و غیر در این

زمینه حرارت نشان میدهند. اخیراً خواندنیها مقالاتی در باره «اسرار فاش نشده» حزب نشر داده است و بااستناد اقوال منسوب به رفیق شهید خسرو روزبه کوشیده است تا حزب را بمشقی جنایات متهم سازد. حساب آقاان افتراء گسر روشن است: می خواهند بدست قهرمان ملی ایران حزب توده ایران را بگویند و در عین حال نام بلند او را لکه دار سازند. میخواهند مدعی شوند که حزب توده ایران جانی و خائن است و شاه و رژیم او معصوم و مبری و میهن پرست ولی حساب، حساب عیبی است و وظیفه مشکلی است که آقاان در برابر خود نهاده اند. شاه و هیئت حا که ای که در آذربایجان و کردستان کشتار کرده اند، در ۲۳ تیر و ۳۰ تیر و ۱۵ خرداد مردم بیگناه کوچک و خیابان را بمسلسل بسته اند، بارها صحن دانشگاه را به قتلگاه بدل کرده اند، کریم پور شیرازی را زنده زنده سوزانده اند، دکتر فاطمی را روی برانکار بمیدان عدام برده اند، خسرو روزبه را بچوب تیرباران بسته اند، مصدق را در خانه خود زنده بگور ساخته اند، پیش از هفتاد تن از افسران پاکدامن و مبارز را در ریگان جوانی بکاخ و خون خود غلظان کرده اند، صدها تن دیگر را تیرباران کرده و بنار کشیده اند، دادگاه نظامی آنها مانند گویوتین موحشی شب و روز در کار است، دهها تن را در زیر شکنجه های حیوانی نابود کرده اند و غیره و غیره معصومند و حزب توده ایران که قربانی خون آلود این عرصه است و اینهمه شهید داده است گناهکار و جانی! شاه و هیئت حا که ای که

ایران را وارد ستمتوساخته اند، کاپیتولاسیون را بر ایران بار دیگر تحمیل کرده اند، سیاست درهای باز و تشویق سرمایه های امپریالیستی را بر ایران تحمیل کرده اند، نفت ملی شده را به چنگ کنسرسیوم جهانخواران سپرده اند، قانون اساسی را نقص و مسخ کرده اند، میلیاردها ریال اموال دولتی را ربوده اند، معصومند و گویا حزب توده ایران، حزب مشتکی زحمتکش تهیدست که همه عمر خود مدافع حقوق مردم ایران بوده است خائن و دزد!! الحق منطقی است مقنع و گبر!

این سؤال مطرح میشود: چرا این کارزار تبلیغاتی را براه انداخته اند؟

دلیل اول آن اجرا دستور سازمان «سیا» و بسط کارزار ضد کمونیستی بمناسبت مراسم پنجاهمین سال اکتبر است. امپریالیسم امریکا هر اس دارد که در اثر ارائه دستاورد های عظیم اکثیر بر جاذبه سوسیالیسم بازمه افزوده شود، لذا دستور داده است کوره آنتی کمونیسم را در همه جا بازمه گرمتر سازند. مجریان این دستور در ایران بکار خود مشغول شده اند.

دلیل دوم واکنش در قبال مبارزه مردم ایران و حزب ما. اعتصاب دانشگاه های تهران و

# تجاوزکار را باید بجای خود نشانند

با تصویب آخرین پیشنهاد اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد فرمان آتش بس در جبهه های جنگ تجاوز کارانه اسرائیل علیه کشورهای عربی داده شد و جنگ گرم موقتاً متوقف گردید . گرچه اسرائیل بدهد های اصلی خود یعنی سقوط حکومت عبدالناصر و رژیم مترقی سوریه نرسید ولی منطقه وسیعی از خاک مصر و سوریه و اردن را با جمعیتی در حدود یک میلیون و نیم نفر اشغال کرد و براندن اعراب از مرز و بوم خویش دست زد . صد ها هزار نفر زن و کودک و مردم غیر نظامی اجباراً آنچه داشتند بجای گذاشتند و در شرایطی بسیار دشوار بیشتر بچک اردن و سوریه پناهنده شدند و این فرار طاقت فرسام همچنان ادامه دارد . مجلس و حکومت اسرائیل نیمی از شهر بیت المقدس را که جزء خاک اردن است به نیم دیگر ملحق و آنرا متعلق بخود اعلام کرده است . رفتاریا اسیران جنگی و مردم عادی در قسمت های اشغالی دست کمی از رفتار قاشمیت های هیتلری ندارد . بیمارستانهای کشور های عربی از سربازانی که با بمب های ناپالم اسرائیل بوضع وحشتناکی افتاده اند لبریز است و هزاران نفر از مردم بیگناه و بی پناه در بیابان های گرم و سوزان اردن و مرز های اسرائیل سرگردان و دچار گرسنگی و بی خانمانی هستند . خبر گزارهای غرب ناچار شده اند گوشه ای از عواقب شوم حمله متجاوزانه حکومت اسرائیل را که به پشتیبانی امپریالیست های امریکائی ، انگلیسی و آلمان غربی انجام گرفته افشا نمایند . با گذشت زمان ماهیت حمله اسرائیل بیشتر روشن میشود . تجاوز اسرائیل حلقه ای از زنجیر توطئه امپریالیست ها علیه کشور های مترقی و ضد امپریالیستی است که در سالهای اخیر در سه قاره امریکا ، افریقا و آسیا پیچیده شده است . اما این توطئه ها همه جا با مقاومت نیرو های مترقی و ضد امپریالیستی محلی که از کمک همه جانبه اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی و همه نیرو های آزادیخواه جهان برخوردارند روبرو میشود . اینک تجاوز اسرائیل و نقشه امپریالیست ها در خاور میانه تنها با مقاومت کشورهای عربی روبرو نیست بلکه با نیروی بزرگ اردوگاه سوسیالیسم و نیرو های ضد امپریالیستی سه قاره آسیا ، افریقا و امریکای لاتین و تمام عناصر مترقی جهان مواجه است که بکام کشور های عربی شتافته اند .

## کمک بشوروی های عربی

از همان آغاز تجاوز اسرائیل اتحاد شوروی بباری کشورهای عربی برخاست و بنا پیشنهاد های مکرر خود در اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد و اختطاف های جنسی با اسرائیل فرمان آتش بس را که هدف آن جلوگیری از پیشرفت نیرو های نظامی اسرائیل بود بتصویب اجرا رساند و بلافاصله از سازمان ملل تقاضای اجلاس فوق العاده عمومی سازمان ملل متحد را نمود . برای چنین اجلاسی لازم بود که ۶۲ کشور با این تقاضا موافقت نمایند . دولت امریکا با این تقاضا صریحاً مخالفت کرد . اما بزودی اکثریت لازم حاصل گردید و علیرغم نظر امریکا اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد . تشکیل چنین جلسهای بخودی خود نشان میدهد که تا چه حد تناسب قوا بقیاس سیاسی جهانی بضرر امپریالیسم بهم خورده است . امتناع امریکا این واقعیت را تأیید میکند که در توطئه ضد کشورهای عربی نقش درجه اول داشته است . اینک مبارزه سیاسی سختی در سازمان ملل در جریان است . اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی با پشتیبانی رومانی خواستار محکوم کردن تجاوز اسرائیل ، بازگرداندن اسرائیل بمیدان تجاوز و وادار کردن آن بپرداخت غرامات حاصل از تجاوز هستند . امریکا و عده بسیار محدودی از پشتیبانانش باین عنوان که از این راه مسئله بطور اساسی ، حل نمیشود در واقع طرفدار نظر نماینده اسرائیلند که در حل مسئله را در مذاکرات مستقیم بین اعراب و اسرائیل ، میدانند . عده زیادی از کشورهای عربی که بهیچ بلوکی وابستگی ندارند و شماره آنها از چهل تجاوز میکند طرخی تنظیم کردند که طبق آن باید اسرائیل بدون قید و شرط مناطق اشغالی ارتوک کند و بمیدان تجاوز برگردد و سپس سازمان ملل متحد اقدامات لازم برای حل بحران و تأمین امنیت کشور ها (از جمله اسرائیل) در این منطقه بعمل آورد تا صلح در خاور میانه تأمین گردد .

اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی و عربی باین طرح پیوستند و اکثریت قابل توجهی برای تصویب آن بوجود آمد . اما برای تصویب رسمی هر پیشنهاد موافقت دو سوم نمایندگان ضروری بود و امریکا و انگلیس با اعمال فشار بر کشورهای امریکائی لاتین و عده ای از کشورهای افریقای مانع از آن شدند که پیشنهاد یوگوسلاوی و سایر کشورهای گروه غیر وابسته بلوک کهداوم سوم آرا را بدست آورد . امپریالیست ها با تهدید و تلمیح عدوی از کشورهای کوچک را که قبلاً نسبت باین پیشنهاد ابراز تمایل میکردند از دادن رأی بیزار داشتند . مثلاً نمایند . کوبا ، که خود جزء امضا کنندگان طرح بود زیر فشار نمایندگی امریکا هنگام اخذ رأی بدان رأی نداد . امپریالیست ها بحیله دیگری برای ایجاد تشمت در آراء دست زدند باین طریق که کشورهای امریکائی لاتین را به تنظیم طرح دیگری واداشتند . این طرح تخلیه مناطق اشغالی را از طرف اسرائیل موقوف بصل کلیه اختلافات بین اعراب و اسرائیل میکرد و عملاً برای مدت نامعلومی آنها را در دست اسرائیل باقی میگذاشت . بهر حال هیچیک از هفت طرح پیشنهادی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد حائز اکثریت دو ثلث آراء نشد و موضوع همچنان در این سازمان مورد بحث است . طرح کشورهای گروه غیر وابسته به بلوکها اکثریت قابل توجهی بدست آورد ولی کافی نبود . دو مسئله یکی لزوم کمک فوری به پناهندگان عرب و عدم شناسائی الحاق نیمه اردنی بیت المقدس به نیم دیگر اسرائیلی که اسرائیل آنرا اعلام کرده است بتصویب جلسه عمومی رسید . جالب توجه است که بیش از دو ثلث نمایندگان هنگام مطلق خود این مطلب را تصریح و تأیید کرده اند که نباید با اقدامات تجاوز کارانه نظامی دولتی علیه کشورهای دیگر صحنه گذاشت و امکان داد که با زور خاک کشورهای دیگر را اشغال کند .

## وضع در کشورهای عربی

رفتار حکومت تجاوزکار اسرائیل در مناطق اشغالی نسبت بسکنه بیگناه ، وضع غم انگیز فراریان عرب ، منظره هول انگیز و رقت آور سربازان مجروح و سوخته از ناپالم در بیمارستانها حس کینه و تفرغ مردم کشورهای عربی را که ناشی از تجاوز مستمر اسرائیل در تمام طول زندگی کوتاه اوست ، صد چندان کرده و نفرت و از چسار آنها را نسبت به امپریالیست ها بخصوص امپریالیست های امریکائی بواج خود رسانده است . هنگامیکه ناصر استعفا داد و زکریا محی الدین را بعنوان جانشین خود پیشنهاد نمود قاهره یکصد و این پیشنهاد را با فریاد مرگ بر امریکا ، مرگ بر دلار رد کرد و پشتیبانی خود را از سیاست همکاری نزدیکتر با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اعلام داشت . فدراسیون سندیکاهای کارگری کشورهای عرب ضمن محکوم کردن تجاوز اسرائیل امپریالیستها را بعنوان مسبب توطئه و تجاوز محکوم کرد . در لیبی کارگران نفت دست باعصاب زدند و در بنادر مختلف کشورهای عربی کارگران از تخلیه و بارگیری کشتیهای امریکا و انگلیس و آلمان غربی خود داری کردند . اعمال زور و قدرت تنواسته است روحیه مردم کشورهای عربی را متزلزل کند و جنبش رهائی بخش و ضد استعماری را در این کشورها سرگوب نماید . بالعکس آنها را باتخاذ روش قاطعتری در مبارزه سوق داده است . حکومت جدید مصر بر ریاست ناصر در مقام اصلاح ارتش و سازمانهای تأمیمنی و دولتی و تصفیه آنها از عناصر ناپاب و ضد انقلابی است و با بررسی علل شکست در مقام جبران و ترمیم تقاض ضعیف در داخل کشور است . در سوریه صفوف توده های انقلابی و وحدت نیرو ها برای تقویت قوه دفاعی و اقتصادی کشور فشرده تر میشود و در کشورهای دیگر عربی نیز علیرغم حکومتهای نظیر حکومت سعودی و مراکش و تونس جنبش ضد استعماری اوج میگردد . بطور کلی سیاست ایجاد یأس و بدبینی نسبت بباردوگاه سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی در بین مردم عرب که یکی از هدفهای حمله اسرائیل و امپریالیستها بود با شکست قطعی روبرو شده است .

## بحران ادامه دارد

مسئله واقعی بحران خاور میانه یعنی امپریالیستهای امریکائی - انگلیسی در جریان اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد و خارج از آن نخواستند بطور واقعی موافقتی برای پایان دادن به بحران سیاسی خاور میانه که خطر بروز جنگ جهانی را در بر دارد ، نشان دهند . آنها بعنوان لزوم حل اساسی عوامل بحران ، از فراهم شدن زمینه برای حل مسائل که تخلیه مناطق اشغالی از طرف اسرائیل است ، جلوگیری کردند . بدینیه است در شرایط فعلی امکان هیچگونه مذاکره بین کشورهای عربی و اسرائیل که تمام مناطق اشغالی را جزء خاک خود اعلام میکند و حتی قصد تجاوز بساحل غربی کانال سوئز دارد ، وجود ندارد . حتی ملک حسین پادشاه اردن که از دیگر کشورهای عربی مجاور اسرائیل بعزت سابقه حسن رابطه با انگلستان و آلمان غربی ممتاز است ، ضمن مصاحبه با خبرنگاران اروپائی و امریکائی ، امکان مذاکرات جمعی یا فردی از طرف کشورهای عربی با اسرائیل را بمنظور حل اختلافات در شرایط فعلی منتفی دانست . کشورهای عربی بخوبی میدانند که زیر فشار بیرونی نظامی اسرائیل ولو اینکه موقت باشد اینکست حل شرافتمندانه اختلافات عمیق بیست ساله در بین آنها و توده های عرب که در نتیجه تجاوز اسرائیل بعد اعلای برانگیخته شده اند تن بمذاکراتی که یک طرف آن غالب و طرف دیگر مغلوب باشد ، نخواهند داد . آنچه ایست که میتواند با ایجاد آرامش و حل مسائل و دفع خطر جنگ در این منطقه کمک کند ، تخلیه

مواضع اشغال شده از طرف اسرائیل ، بازگشت آن به مواضع اولیه و آمادگی برای حل مسائل با توجه بمنافع اکثریت مردم اسرائیل و اعراب است نه منافع کمپرادرها و بورژوازی بزرگ که وابسته بامپریالیست ها هستند . ولی بطوریکه معلوم است حکومت فئالی اسرائیل که در دست وابستگان به امپریالیستهاست ، میخواهد از موقعیت نظامی در جنگ استفاده کرده و علاوه بر توسعه خاک اسرائیل حقوق اعراب را در ترعه سوئز ، درخلیج عقبه و در بیت المقدس پایمال کند ، در جبهه کشورهای عربی تفرقه اندازد و بالاخره بمنظور های اساسی سیاسی امپریالیستها که تغییر حکومتهای مصر و سوریه و سرکوب جنبش استقلال طلبانه کشورهای عربی است برسد . اسرائیل ظاهراً مدعی است که موجودیتش در خطر است و برای جفط حیات خود دست به تجاوز و تعرض زده است ولی دروغ بودن این ادعا بر کسی پوشیده نیست . وزیر خارجه اسرائیل ابابابان در مصاحبه تلویزیونی خود در روز پنجم ژوئیه چنین اعلام داشت که ما لازم بود ابتدا موجودیت خود را با عراب نشان دهیم (یعنی با تجاوز بچک آنها قدرت خود را بنمایش) و اینک باید همزبستی خود را با اعراب تأمین نمائیم (یعنی نظارتی خود را بآنها تحمیل کنیم) . چنین سیاستی جز ماجراجویی و ایجاد نا امانی در خاور میانه و بغض انداختن صلح جهانی ببار نمیآورد . اگر مقصود اسرائیل شناسائی خود از طرف کشورهای عربی و همزبستی سلامت آمیز با آنها بود لازم بود که از راه مسالمت آمیز اقدام کنند و مسائل مورد اختلاف را که مهمتر آنها مسئله اعراب رانده شده از فلسطین بود با حسن نیت حل نمایند . بدون تردید چنین راهی مورد تأیید کشورهای سوسیالیستی و تمام صلحدوستان جهان قرار میگرفت ولی ماهیت حکومت فئالی اسرائیل تجاوزکاری و توسعه طلبی است و نقش آن نقش ژاندارم امپریالیستها در خاور میانه است . در مقابل چنین وضعی تنها پشتیبانی مادی و معنوی کشورهای صلحدوست و ضد امپریالیستی از هدفهای مشروع کشورهای عربی ، نزدیکی و همکاری بیشتر بین کشورهای عربی ، تقویت سازمان های مختلف سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی و تصفیه آنها از عناصر ارتجاعی و خرابکار در درون کشورهای عربی و پیوند عربی و در یک کلام ایجاد چنان نیروئی که بتواند تجاوز کار را بجای خود نشانند ، میبواند اسرائیل و پشتیبانان آنرا وادار بعقب نشینی و سرانجام آمادگی برای همزبستی مسالمت آمیز و حل مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکرات مستقیم و یا غیر مستقیم بنماید وگرنه در حال حاضر راهی برای خروج از بحران فعلی نیست .

## کنفرانس جهانی درباره ویتنام

از تاریخ ۶ تا ۹ ژوئیه کنفرانس جهانی بحث و تبادل نظر درباره یافتن راههای تشدید و کسترش و هماهنگ کردن مبارزه در دفاع از خلق ویتنام و پایان دادن بجنگ تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکائی در استکهلم تشکیل بود . شرکت سازمانهای گوناگون ملی و قاره‌ای وین المللی و شخصیتهای برجسته اجتماعی و فرهنگی به این کنفرانس جنبه جهانی داده بود . در واقع نخستین بار یک کنفرانس جهانی درباره ویتنام تشکیل شد که بدون شک مرحله نوینی را در جنبش دفاع از خلق ویتنام بوجود آورده است . در این کنفرانس نماینده جوانان توده ایران شرکت داشت و بیان کننده همبستگی خال ناپذیر جوانان و مردم ایران با خلق قهرمان ویتنام بود . ما در شماره آینده ماهنامه مردم با تمهیل بیشتری در این باره سخن خواهیم گفت .

بقیه از صفحه ۲

## کارزار تبلیغاتی

بگوئیم جادار در حلات خشن هیئت حا که بجزب توده ایران و توطئه «سیا» علیه این حزب هشیار باشی برای مخالفان رژیم باشد تا در آن عرصه بیلدی که هیئت حا که در آن میداناری میکند گام نهند و دوستدار آن حزبی باشند که خسرو روزبه به تعلق بدان مباحث می ورزید .

# مطبوعات آلمان غربی در باره سفر شاه

اقامت شاه و فرج در آلمان غربی در فاصله روزهای ۶ تا ۱۴ خرداد که آمیخته با تدارکات فوق‌العاده پلیس و ایجاد محدودیت و اختلال در زندگی مردم آن کشور بود، موج نیرومندی از ناراضی‌های برانگیخت. این عدم رضایت شدید نه تنها در روزنامه‌ها و مجلات مخالف، بلکه در صفحات مطبوعات موافق دولت نیز انعکاس یافت. نقل آن‌ها مطالبی که در این

هفتاد و پنج روز پیش از یک‌هفته به آغاز مسافرت شاه مانده بود که اقدامات شدید پلیس آلمان غربی در صفحات روزنامه‌های آن کشور انعکاس یافت. روزنامه «بیلد» در تاریخ ۱۹ ماه مه ۱۹۶۷ چنین نوشت: «کنترل مرزها فوق‌العاده افزایش یافته، پلیس مرزی فهرست اسامی ۵۰۰ نفر مسافر ایرانی را دریافت داشته که به ملت مطنون بودن باید از ورود آنان بحد آلمان غربی جلوگیری شود. در شهر «بن» تدارکات امنیتی به‌بعداعالی خود رسیده، هتل «پلترزبرگ» که زوج سلطنتی ایران چهار روز در آن اقامت خواهند نمود به «قلعه» ای تبدیل شده است. «گویتینگنر-تاگ‌بلاک» (۱۹ مه) دامنه

مراقبت‌های مرزی را از اینهم وسیعتر میداند و می‌نویسد: «مناسبت سفر شاه ایران به آلمان غربی، مسافرتن ایرانی و نیز مسافرین سایر کشورهای خاورمیانه تحت کنترل کامل هستند. «فرانکفورت‌رندت شو» در تاریخ ۲۹ مه اطلاعات بیشتری در باره پیشگیری پلیس در هتل محل اقامت شاه و فرج در شهر «بن» میدهد. این روزنامه می‌نویسد: «از دو روز قبل از ورود شاه به شهر «بن» هیچ اتومبیل و هیچ عابری اجازه نداشت به هتل «پلترزبرگ» نزدیک شود. تا آخرین لحظه ورود شاه، ده نفر مأمور امنیت آلمان غربی مرتباً اطفاقی هتل را بازرسی میکردند تا مبدا مواد منفجره و یا بمبی در اطراف کار گذاشته باشند. هتل «پلترزبرگ» که بیش از ۱۰۰ تختخواب دارد، بخاطر ورود شاه و فرج و ۲۰ نفر از همراهانشان از کلیه مهمانان تخلیه شد.

«سود دوپچه سایوتونگ» (۲۶ مه) تدارکات امنیتی را برای ورود شاه بطورمفصل توضیح داده است: «فقط در شهر «بن» ۱۸۰۰ پلیس و مأمور سازمان امنیت گمارده شده، در برابر پلیس غربی ۵۰۰۰ پلیس از شاه حفاظت میکنند، در کلن ۱۲۰۰ مأمور پلیس مجبور به انصراف از استفاده از مرخصی سالیانه خود شدند. در مسیر شاه کلیه راه‌ها، پلها و چهار راه‌ها شدیداً مراقبت میشوند. هیچ هواپیمائی درآسمان محل اقامت شاه اجازه پرواز ندارد. به محض آنکه ماشین شاه بحرکت درآید خیابانها از وساطت نقلیه قرق میشوند. در «دوسلدورف» هنگامی که شاه به بازدید از مقر رئیس جمهوری می‌رود پلیس سوار او را حمایت خواهد کرد. بدن اسبها میبایست سیرگوله‌های احتمالی باشند. با این وجود شاه ایران «گارد حائناز» خود را همراه آورده است. خبرنگران و عکاسان حق ندارند کمتر از ۱۵ متر با شاه فاصله داشته باشند. روزنامه ادامه میدهد: «اکنون در آلمان غربی ۸۰۰۰ ایرانی زندگی میکنند که ۶۰۰۰ نفر آنها دانشجوی هستند. دانشجویان میگویند چون در ایران ابراز مخالفت با رژیم غیر ممکن است، ما وظیفه خود میدانیم در هر کشوری که هستیم مخالفت خود را با رژیم ابراز داریم.» روزنامه «بیلد» با جملات زیر بر سر ادعای دانشجویان مبتنی بر وجود استبداد در ایران صحه میگذارد: «شاه ایران علاقه یک دیکتاتور است. پارلمان وجود دارد، اما شاه هر وقت بخواهد میتواند آنرا منحل کند» وزیران منتخب وی هستند. اما نمیتوان بدون هیچ دلیلی آنها را معزول نماید. انقلابیون جوان ایران معتقدند که اجرای عدالت اجتماعی فقط با سرنگونی هیئت حاکمه و سقوط سلطنت میسر خواهد بود. «روزنامه «بیلد» (۲۵ مه) وجود مأمورین سازمان امنیت ایران را در آلمان و فشار آنها بر دانشجویان چنین توضیح میدهد: «در دانشگاه‌های آلمان بسیاری از دانشجویان ایران مورد بازرسی قرار گرفته‌اند. دانشجویان میگویند مأموران سازمان امنیت ایران مارا تحت فشار قرار داده‌اند، روزنامه «دی ولت» (۳۱ مه) در همین

زورگ، میدهد و می‌نویسد: «نمایندگان دانشجویان آلمانی طی یک اعلامیه شدیداً به پلیس آلمان غربی اعتراض کردند. در این اعلامیه نوشته شده: «وقتی دیکتاتور ایران بمیثماتی میاید لزومی ندارد همان شیوه‌های معمول در کشور را حتی در برلن بکار برد، «ابند پست» (۳۱ مه) حتی از عصبانیت برخی مقامات دولتی آلمان از محدودیت عبور و مرور خبر میدهد.

این روزنامه می‌نویسد: «هنگامی که مونیخ برای بزرگترین هرج و مرج عبور و مرور در تاریخ شهر خود را آماده میکرد، «ویسر» وزیر کشور و ستفالن اظهار داشت: «میهمانان دولت در مسافرت خود به آلمان از این تبعید می‌توانند از هلیکوپتر استفاده کنند زیرا چندین ساعت تعطیل عبور و مرور و بستن خطوط موجب زیانهای اقتصادی است که من نمیتوانم مسئولیت آنرا بپذیرم». زود دوپچه تسانوتونگ (اول ژوئن) می‌نویسد: «پذیرائی مردم مونیخ از زوج سلطنتی ایران صمیمانه نبود. بعضی آنکه شاه از استگاه راه آهن بیرون آمد ابراز انزجار مردم آغاز شد. شاه با سیمای بیچرت جملاتی را که علیه او ادا میشد بگوش می‌گرفت.» «فرانکفورت‌رندت شو» (۲ ژوئن) اظهارات

شاه را در شهر مونیخ چنین توصیف میکند: «در برابر شهرداری و شهر جمعیت که انتظار ایستاده بود، در همین موقع فریاد: «شاه را از آلمان بیرون برانید، شاه» قاتل! از جمعیت برخاست. هلیکوپتری که برای مراقبت از شاه همراه اسکورت بود میخواست با صدای موتور خود شاید مانع از شنیدن صداهای مخالف شود.

«زود دوپچه تسانوتونگ» (۲ ژوئن) می‌نویسد: «دومین روز سفر زوج سلطنتی ایران نیز توأم با تظاهرات دانشجویان بود. بر روی پرچمها شعارهایی نظیر «مرگ بر رژیم شاه»، «شکجه را پایان دهید»، «زندانیان سیاسی باید آزاد شوند» دیده میشد. بر روی یک بلاکات نوشته شده بود: «شاه قاتل» است. روزنامه بیلد (۳۱ مه) می‌نویسد: «مردم دوسلدورف از شاه، فرج و پلیس عصبانی هستند. مردم میگویند در خیابانها بیش از «تماشاجی» پلیس است. روزنامه زود دوپچه تسانوتونگ (اول ژوئن) خبر از وجود ۱۶۰۰ نفر پلیس در شهر دوسلدورف برای حفاظت از شاه میدهد. شهرهای دیگر آلمان نیز با سردی از شاه استقبال نمودند. روزنامه «بیلد» (۳۱ مه) می‌نویسد: «شهر کلن مناسبت سفر شاه، به تصرف پلیس درآمد. علاقه مردم به دیدن شاه و ملکه اندک بود. در پشت میله‌های آهنی کنار خیابانها، اثری از جمعیت نبود. فرج در محاصره پلیس لبخند میزد و او نمیدانست که هم اکنون در چند نقطه از شهر کلن دانشجویان اوراقی به در و دیوار شهر چسبانده اند که روی آن نوشته شده: «قاتل»، «محمد رضا پهلوی جستیچو میشود» در این اوراق چنین خوانده میشد: «شاه در نتیجه کشتار مردم، جنایت، همکاری با سازمان جاسوسی کشور های خارجی و غارت ملت خویش جرم شناخته شده است، بسیاری از روزنامه‌های منتشره در شهر آخن خبر از همدردی دانشجویان آلمانی این شهر با دانشجویان ایرانی میدهد. روزنامه چنین می‌نویسد: «گروه دانشجویان سوسیال دموکرات شهر آخن برای همدردی با دانشجویان ایرانی مارش سکوت ترتیب دادند. دانشجویان اعلامیه‌ای منتشر ساختند که در آن نوشته شده بود: «قط شاه ایرانی نیست. در ایران ۲۴ میلیون نفر ایرانی در فقر و استبداد بسر میبرند. شاه بزرگترین نماینده یک نظام قرون وسطائی است که مردم ایران را در فقر نگاه داشته است. دردست دانشجویان شعارهایی مانند «شاه نماینده منتخب مردم ایران نیست»، «قتل‌های سیاسی در ایران باید موقوف شوند»، «زندانیان سیاسی را آزاد کنید»، «مرگ بر دیکتاتور» دیده میشد. دانشجویان هامبورگ نیز تظاهراتی علیه شاه ترتیب دادند روزنامه هامبورگ «مرکینست(ژوئن) می‌نویسد: «۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هامبورگ علیه شاه نمایش دادند. در این دموستراسیون، دو دانشجو با ماسکهای مقوایی شاه و فرج نشسته بودند. عده دیگری از دانشجویان مارش سکوت ترتیب دادند. این دانشجویان اعلامیه‌هایی بخش کردند که در آن نوشته شده بود: «به دانشجویان ایرانی اجازه داده نشده «مرگ بر شاه» بگویند، «بقرار نوشته یکی از روزنامه‌های هامبورگ ۴۸۰۰ پلیس در این شهر برای حفاظت شاه تجهیز شده بودند.

روزنامه «دی ولت» (۳۱ مه) نارسائی شدید مردم را از اقدام پلیس چنین توضیح میدهد: «صرفنظر از ایجاد مزاحمت برای تعداد زیاد از مردمی که در مسیر زوج سلطنتی ایران سکونت داشته‌اند، صرفنظر از فعالیتش که شعبه خارجی و پلیس سیاسی و نیز مأموران سازمان امنیت ایران بین دانشجویان خارجی مقیم آلمان غربی میکنند، تجهیز تعداد زیاد پلیس و قرق خیابان موجب شده است که مردم از هم بپرسند، بالاخره بچه ترتیب باید خود را به مقصد رسانند؟ نتیجه اینگونه اقدامات برای حفظ شاه آنستکه رانندگان غیر محلی در شهر هاسر در گم شدند و دانش آموزان دیر بخانه‌های خود برسرند. اما صرفنظر از خسارات شخصی، برای بسیاری از مردم این سؤال مطرح است که وجود اینهمه پلیس در شهر های محل اقامت شاه چه مبلغ هزینه خواهد داشت؟ مردم میگویند، بچه حق پلیس صد ها خانه را در مسیر شاه زیر نظر گرفته تا میباید یکنفر ایرانی ساکن این خانه‌ها باشد و یا حتی با ساکنین این منازل دوستی داشته باشد؟ بچه دلیل پلیس از مردم میخواست که در مسیر شاه پنجره خانه‌های خود را ببندند؟ انزجار مردم آلمان از سفر شاه گاه جنبه تفسخ بخود گرفته است. روزنامه «راین نکار» (۳ و ۴ ژوئن) می‌نویسد: «اتحادیه دانشجویان سوسیالیست آلمان جلسه‌ای تحت عنوان «خدا حافظی شاه» ترتیب داد. در متن دعوتنامه نوشته شده بود: «در این جلسه نیم تنه زهری شاه را بشما نشان خواهیم داد و چند تن از مأموران سازمان امنیت ایران و آلمان را معرفی خواهیم کرد. بعداً در جلسه به مدعوبین گفته شد: «نیم تنه زهری شاه فعلا در دسترس نیست زیراوی هنوز بدان احتیاج دارد» روزنامه «بیلد» (۳۰ مه) از قول یکی از خوانندگان خود می‌نویسد: «یک آلمانی نماینده بود که دلیل بایه به زوج سلطنتی ایران ۴۰ میلیون مارک وام داده شود، پولی که آلمان بعنوان وام به شاه میدهد میتواند برای تقویت اقتصاد خودمان مصرف شود. جواهرات آنها برای رفع نیازمندی کشورشان کافی است.» «فرانکفورت‌رندت شو» (۲۹ مه) در همین زمینه می‌نویسد: «گفته میشود که زوج سلطنتی ایران احتیاج به دریافت ۶۰ میلیون کمک اقتصادی از آلمان دارد. فرج دیبا سالیانه ۸۰ هزار دلار یعنی ۳۲۰ هزار مارک فقط برای لباس خود خرج میکند، یک چنین مصداقی بدون شک موجب عدم تعادل در بودجه کشور میشود، «کلنیشه روزنشاو» رضایت شاه را از جنایات پلیس و عدم رضایت مردم را از این اقدامات وحشیانه چنین توضیح میدهد: «شاه ایران قبل از مراجعت، رئیس پلیس و رئیس سازمان امنیت شهر «سن» را بحضور پذیرفت و بعنوان تشکر دست آنان را فشرد اما در همان روز اتحادیه دانشجویان آلمان به اقدامات پلیس علیه دانشجویان ایرانی شدیداً اعتراض نمود.

## «مسائل بین المللی»

شماره ۲۶ نشریه «مسائل بین المللی» از چاپ خارج شد. شماره ۲۷ این نشریه نیز بزودی انتشار خواهد یافت. مطالعه این نشریه خواننده را از جریان تکامل اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و مسائل عیدهدای که سیر تکامل جهان کنونی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فلسفی و غیره در برابر واحدهای جنبش جهانی کارگری مطرح میسازد با خبر نگاهمیدارد. «مسائل بین المللی» را به‌تمام کسانیکه به مسائل تئوریک و اطلاعاتی جنبش جهانی کارگری علاقمندند، توصیه میکنم.

### هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران «ماهنامه مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4176**  
**Stockholm 4**  
**Sweden**

# تر های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

تاریخی از خود نشان داد و تناسب قوای طبقاتی و خصوصیات مشخص لحظه را بدرستی حساب کرد. حزب در مراحل مختلف انقلاب تا کنیک با نرمش و متونعی را بیکار بست، از شیوه های مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز، قانونی و غیر قانونی مبارزه استفاده کرد، توانست این شیوه ها را تلفیق کند و شکلی از مبارزه را به شکل دیگر، اسلوبی از مبارزه را به اسلوب دیگر تبدیل کند. در همین جا است که ما یکی از تمایزات اصولی استراتژی و تاکتیک لنینیسم را از یکسو بنا رفرهیمس سوسیال دموکراسی و از سوی دیگر با ماجراجویی خرده بورژوازی مشاهده میکنیم. انقلاب سوسیالیستی اکتبر نظام بهره کشی و استثمارگری را برانداخت کشور را از ورطه جنگ خونین امپریالیستی در آورد و بنیاد جهان سرمایه داری را سزازل کرد. اهمیت جهانی و تاریخی انقلاب اکتبر در آن است که راه تحول انقلابی را نشان داد، اشکال و اسلوبهای این تحول را کشف کرد. تجربه انقلاب اکتبر گنجینه پیاپی ناپذیر ثوری و پراتیک مبارزه انقلابی، نمونه استراتژی و تاکتیک علمی است.

بیستم خود کیش شخصیت استالین و کجروبهایی ناشی از این کیش و از آنجمله مبالغه در نقش یک فرد، انحراف از اصل لنینی رهبری جمعی، تضییقات نادرست و نقض قانونیت سوسیالیستی را باقاعضت محکوم کرد. ولی این کجروبهها با وجود جدی بودن آن ماهیت جامعه سوسیالیستی را تغییر نداد و ارکان سوسیالیسم را متزلزل نکرد.

## بخش ۲ - ساختمان کمونیسم ادامه

### و تکمیل امر خطیر انقلاب اکتبر است

در این بخش ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم و قانونمندیهایی گذار به ساختمان جامعه کمونیستی تشریح میگردد.

پیروزی سوسیالیسم مقدمات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و معنوی گذار به ساختمان جامعه کمونیستی را فراهم ساخت.

گذار از سوسیالیسم به کمونیسم ایجاب میکند که بنیاد مادی و فنی لازم پدید آید، بازده کار بسی افزایش یابد، قور نم مادی تأمین گردد، تفاوت میان شهر و ده، میان کار فکری و جسمی از میان برود. جهان بینی علمی و اخلاق کمونیستی تثبیت گردد. تنها با تحقق این شرایط است که میتوان اصل بنیادی کمونیسم یعنی اصل « از هر کس باندازه استعدادش، بهر کس باندازه نیازش » را تحقق بخشید.

کمونیسم تنها برپایه دستاورد های سوسیالیسم، برپایه بسط و تکامل باز هم بیشتر اقتصاد و تکامل استروکتور اجتماعی، سازمان سیاسی و زندگی معنوی میتواند ساخته شود.

تولید سوسیالیستی اکنون بچنان سطحی رسیده است که ایجاب بنیاد مادی و فنی کمونیسم را از هر جهت میسر میسازد.

رشد تولید سوسیالیستی برای ترقی روز افزون سطح زندگی و معنوی مردم شوروی پایه محکمی بوجود آورده است.

در استروکتور اجتماعی جامعه سوسیالیستی تغییرات مهمی پدید آمده است. خصالت استروکتور جامعه سوسیالیستی را وجود طبقات و گروههایی که دوست بکشدیکرند، وحدت منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها و علاقمندی آنها بساختن کمونیسم تعیین میکند.

طبقه کارگر که نیروی ایجادگر رهبری کننده جامعه نوین است در حال حاضر بیش از نصف زحمتکشان کشور را تشکیل میدهد. در سطح تخصص کارگران شوروی، در سطح معلومات فنی و فرهنگ آنها و در محتوی و سرشت کار آنها تغییرات اساسی پدید میآید. در حال حاضر قریب به ۵۰ درصد کارگران فارغ التحصیل مدارس متوسطه هستند. کار کارگری که ماشین ها و پروسه های با فرنج تولید را هدایت میکند بیش از پیش بیکار مهندس و تکنیسین نزدیک میشود. طبقه کارگر در دوران ساختمان کمونیسم نیز نقش رهبری خود را ایفا میکند.

سوسیالیسم وضع دهقانان را نیز از بیخ و بن تغییر داد. دهقانان شوروی که متحد وفادار طبقه کارگران به نیروی فعال ساختمان جامعه کمونیستی بدل شده اند.

در دوران ساختمان کمونیسم در همه عرصه های زندگی اجتماعی نقش روشنفکران شوروی بالا می رود. منافع روشنفکران از منافع کارگران و دهقانان جدائی ناپذیر است. در ارتباط با رشد سریع تولید علم و تکنیک تعداد روشنفکران بویژه در قسمت فنی سرعت افزایش مییابد. در سال ۱۹۱۳ نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر متخصص دارای تحصیلات عالی و حرفه های بودند و حال آنکه در سال ۱۹۶۶ تعداد این روشنفکران به ۱۳ میلیون نفر بالغ گردیده است.

در جامعه شوروی مناسبات برابری، دوستی و همکاری ملتها و خلفهها تثبیت شده و برای شکستگی و نزدیکی باز هم بیشتر آنها پایه های محکمی بوجود آمده است.

برپایه یکنگی اقتصادی و اجتماعی در ملل سوسیالیستی سبجایی انترناسیونالیستی تکامل مییابد، سنن شوروی سازندگان کمونیسم تثبیت میشود. وحدت هدف و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی، وفاداری بامر کمونیسم، انترناسیونالیسم عمیق و میهن پرستی شوروی، احترام به شئون ملی، دوستی و برادری از خصائل زحمتکشان جامعه واحد و در عین حال کشیر المله سوسیالیستی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با بقایای کوتاه بینی ملی و علیه هر گونه بروز روحیات محلی گری، ناسیونالیسم و شوینیسم پیگیرانه مبارزه میکند.

بر اساس تجربه اتحاد شوروی همه جهان به نیروی حیات بخش سیاست ملی لنینی پی میبرد. حل مسئله ملی در کشور شوراها بطور انکار ناپذیر نشان داد که خلاقیت تاریخی فعال و مستقل تنها در خورد ملل بزرگزیده، نیست بلکه در دسترس همه خلقها میباشد. دولت کشیر المله سوسیالیستی شوروی در عمل پیروزی اصل انترناسیونالیسم پرولتری را نشان میدهد.

در دوران ساختمان کمونیسم سازمان دولتی و دموکراسی سوسیالیستی باز هم بیشتر تکمیل میشود.

## بخش ۳ - انقلاب سوسیالیستی اکتبر

### و پیروسه انقلاب جهانی

انقلاب اکتبر آغاز گذار انقلابی از سرمایه داری به سوسیالیسم در سراسر جهان بود. طی نیم قرن گذشته پروسه انقلاب جهانی بلاوقه گسترش یافت، کشورها و خلقهای تازه ای را در بر گرفت. گسترش انقلاب جهانی در مبارزه با امپریالیسم که در مقابل نیرو های انقلاب سرسختانه مقاومت میورزد و در بعضی از مناطق به تعرض متقابل میپردازد انجام میپذیرد. جنبش انقلابی جهانی با مشکلات درونی نیز مواجه است که از رشد سریع انقلاب و گوناگون بودن نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه ضد امپریالیستی سرچشمه میگیرد. با این وجود گرایش اساسی تکامل تاریخی بشریت گرایشی است که با انقلاب اکتبر معین شده است. محتوی عمده این گرایش تاریخی، سمت عمده و خصوصیات عمده آنرا امروز سیستم سوسیالیستی جهانی، نیروهایی که علیه امپریالیسم وبخاطر تحول سوسیالیستی جامعه مبارزه میکنند معین میکند.

تجربه تاریخی پنجاه سالی که از انقلاب اکتبر میگذرد نتیجه ثیری ثوری انقلابی را در باره محکوم بزوال بودن سرمایه داری تأیید کرد.

مرحله امپریالیستی تکامل نظام سرمایه داری ماهیت ضد ملی و عیوب از گانیک آنرا آشکار ساخت.

امپریالیسم خلقها را دچار دو جنگ جهانی کرد که طی آنها ۶۰ میلیون نفر کشته شدند و اینک بشریت را به برافروختن سومین جنگ جهانی و استعمال سلاح هسته ای و موشکی تهدید میکند. جنگهای محلی و تهاجمات علیه جنبش رهائی بخش ملی (گواه بر این اشغالگران اسرائیلی به کشورهای عربی است) نظامی کردن اقتصاد، سرکوب دموکراسی و کوشش برای استقرار رژیم های تروریستی فاشیستی (آخرین مثال این اقدام کودتای ارتجاعی در یونان است) چنین است مظاهر آشکار ماهیت ارتجاعی امپریالیسم.

امپریالیسم مسئول عقب ماندگی اقتصادی و فنی دهها کشور آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. این عقب ماندگی نتیجه مستقیم غارتگری قدرتهای امپریالیستی و سیاست استعماری و نواستعماری است. امپریالیسم از همه امکانات استفاده میکند تا بمرجودیت خود ادامه دهد. سرمایه داری معاصر قبل از همه سرمایه داری انحصاری دولتی است که خود را با شرایط مبارزه و سیستم جهانی تطبیق میدهد.

امپریالیستها با در نظر گرفتن سطح کنونی نیرو های مولده، خصوصیات مبارزات طبقاتی بمقیاس جهانی، موقعیتهای کشور های سوسیالیستی، رشد نیرو های طبقاتی در درون جهان سرمایه داری مانور میکنند، میکوشند تأثیر مخرب ترین پدیده ها مانند هرج و مرج تولید، بحرانهای اقتصادی، بیکاری وسیع مردم یعنی تأثیر پدیده هایی را که برای خود از لحاظ اجتماعی خطرناک میدانند محدود سازند. امپریالیستها بطور وسیع سیستم تنظیم دولتی اقتصاد را بکار میینند، اسلوبهای ظرفیت بیشتر زحمتکشان را بکار میینند، عوامرهای اجتماعی را تقویت میکنند. معذک هیچگونه نوآوری

ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری را تشبیر نمیدهد، هیچ مانوری نمیتواند بیماریهای بنیادی و ذاتی آنرا علاج کند و تضاد های لاینحل آنرا حل نماید. ضمن تز های بخش سوم گفته میشود که امر نوسازی انقلابی جهان که با انقلاب اکتبر آغاز شد و در پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی تجسم یافت با پیروزی انقلابهای سوسیالیستی در کشورهای دیگر ادامه یافت. تشکیل سیستم سوسیالیستی جهانی بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بزرگترین حادثه تاریخی است.

اینک بر اساس نمونه بسیاری از خلقها به ثبوت رسیده است که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم یک رشته قانون مندیهای مشترکی دارد که برای نخستین بار در جریان تحولات سوسیالیستی در اتحاد شوروی کشف شد. این واقعیت نیز به ثبوت رسید که هر خلقی برای گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم اشکال و اسلوبهای جدیدی انتخاب میکند.

اکثریت کشورهای سوسیالیستی که در گذشته سطح اقتصادی نازکی داشتند در مدت کوتاهی بدولتهای رشد یافته ای تبدیل شدند و سطح زندگی زحمتکشان را به میزان قابل توجهی بالا بردند. علم و فرهنگ را سرعت پیش راندند. از لحاظ آهنگ رشد اقتصادی

دولتهای سوسیالیستی از جهان سرمایه داری به مراتب جلو ترند. در سال ۱۹۶۶ کشور های سوسیالیستی در مقایسه با سال ۱۹۲۷ ده بار بیشتر محصول صنعتی تولید کرده اند در صورتیکه در جهان سرمایه داری طی این مدت تولید صنعتی فقط ۳ بار افزایش یافته است. در نتیجه مبارزه زحمتکشان برهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی در اکثر کشورهای سوسیالیستی مبنای سوسیالیسم ساخته شده، جامعه طبقات زحمتکش شکل یافته است و وحدت اجتماعی، سیاسی و فکری همه خلق بیش از پیش تثبیت میشود.

پیروزیها و دستاوردهای سوسیالیسم با پیدایش و تکامل مناسبات جدید سوسیالیستی بین المللی، که بر اصول برابری و حاکمیت ملی، همکاری همه جانبه و کمک متقابل برادرانه دولتهای سوسیالیستی استوار است، ارتباط ناگسستی دارد.

نزدیکی کشور هایی که در راه سوسیالیسم گام نهانند، بهم پیوستگی آنها در جامعه کشور های سوسیالیستی باسخگونی منافع بنیادی خلقها است و برهمگونی نظام اجتماعی، اقتصادی و بر وحدت ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی، اشتراک وظایف در مبارزه علیه امپریالیسم، بخاطر صالح و دموکراسی و سوسیالیسم استوار است.

استقرار مناسبات نوین بین المللی پروسه بفرنج و چند جانبه ای است. با وجود دشواریهایی که در راه برقرار کردن همکاری چند جانبه، سازمان دادن سیستم بین المللی تقسیم کار سوسیالیستی وجود دارد معذک نمیتوان اهمیت آنچه را که طی ۲۰ سال گذشته انجام گرفته است نادیده گرفت. برای جامعه کشور های سوسیالیستی پایه محکمی ریخته شده و اشکال مختلف همکاری اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها بوجود آمده است. در زمینه عمل متحد دولتهای سوسیالیسم در صحنه بین المللی تجارب فراوانی بدست آمده است. وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم، به انترناسیونالیسم پرولتری ضمن رشد کامیابانه سیستم جهانی سوسیالیستی و رشد تأثیر آن در مسیر حوادث بین المللی است. در عین حال عقب نشینی از مارکسیسم - لنینیسم، از انترناسیونالیسم پرولتری وقایع ناگواری برای امر سوسیالیسم و برای منافع واقعی خلقها ببار میآورد. وضعیکه در چپت پیش آمده گواه بر این مدعا است.

در نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب که ضربتی سنگین بر امپریالیسم بود خلق چین در زمینه رفوم اجتماعی کشور خویش، در امر رشد اقتصاد و فرهنگ بکامیابیهایی بزرگی نائل آمد. همکاری همه جانبه جمهوری خلق چین با جامعه کشورهای سوسیالیستی، با اتحاد شوروی در تأمین این دستاوردها تأثیر بسزائی داشت.

درواخر سالهای پنجاه رهبری حزب کمونیست چین در سیاست خارجی و داخلی خط مشی خاصی به پیش کشید که نشانه اعراض از مارکسیسم - لنینیسم بود و عمیقاً با انترناسیونالیسم پرولتری و باقوانمندیهایی اساسی ساختمان سوسیالیسم تضاد داشت. گروه

تر های حزب کمونیست اتحاد شوروی

مائوتسه دون با اجرای خط مشیی آغاز کرد که در آن ماجراجویی خرده بورژوازی و شوینیسم عظمت طلبانه در زیر لفاظی «چپ» در هم آمیخته بود. گروه مائوتسه دون آشکارا در راه برهم زدن وحدت جامعه کشور های سوسیالیستی و انشعاب جنبش کمونیستی جهانی کوشش می نمود.

مشی ماجراجویانه گروه مائوتسه دون موجب تضعیف مواضع حزب کمونیست چین، طبقه کارگر چین و باعث تشدید طبیعت آنتارشستی خرده بورژوازی گردید. دستاوردهای سوسیالیستی در چین با خطر جدی مواجه شد.

مردم شوروی همیشه خلق چین را در مبارزه برای تحول انقلابی جامعه دوست و متحد خویش بشمار می آورند. انصراف حزب کمونیست چین از سیاست هلاکت بار کمونی و تحکیم مناسبات جمهوری خلق چین با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر بفتح سوسیالیسم جهانی و قبل از همه بسود خود خلق چین است.

جامعه کشورهای سوسیالیستی در صفوف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم، بغض صلح و ترقی اجتماعی قرار گرفته است و در امر رشد و گسترش پیرویه انقلابی سهم تعیین کننده دارد.

در تیرها از تأثیر انقلاب اکتبر در سیستم امپریالیستی سلطه مستعمراتی صحبت میشود.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر بحران سیستم مستعمراتی امپریالیسم آغاز شد. جمهوری شوراها در عمل اتحاد انقلاب سوسیالیستی و جنبش رهائی بخش ملی را تحقق بخشید، نمونه و تکیه گاه مبارزه رهائی بخش ملتها گردید.

امپریالیستها میکوشند مستعمرات سابق را در قید وابستگی اقتصادی و اجتماعی نگهدارند. ترقی اجتماعی و فرهنگی آنها ترمز نمایند. مملکت خلقها نمیخواهند به بهره کشی امپریالیسم تن در دهند.

میکوشند استقلال خود را تحکیم بخشدند و در جستجوی چنان راه رشد اجتماعی و اقتصادی هستند که حل مسائل رفرتی را که در مقابلشان قرار دارد در کوتاه ترین مدت ممکن سازد. آنها می بینند که چگونه ملت های ستمدیده روسیه تزاری با برخورداری از پشتیبانی پرولتاریای پیروز و روسیه در مدت تاریخی کوتاهی عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی خود را از بین بردند و در کلیه رشته های زندگی اجتماعی به پیروزی های قابل توجه نائل آمدند.

پیرویه انقلابی جهان که با انقلاب اکتبر شروع شد برای مبارزه طبقه کارگر بین المللی بغض هدهدهای نزدیک و نهانی خویش اوضاع و احوال جدیدی ایجاد کرد. تشکله و مناسبات بین المللی گردانهای مختلف طبقه کارگر رشد یافت. پیروزی انقلاب اکتبر طبقه کارگر را در مرکز دوران معاصر قرار داد. طبقه کارگر کشور های سرمایه داری میازات خود را علیه قدرت انحصارها و دولتهای مطیع آنها تشدید میکنند. اگر تاکنون طبقه کارگر موفق نشده است ارمان های سوسیالیستی خود را تحقق بخشد این امر بمیزان زیاد با انشعاب در صفوف آن مربوط است. در زمان حاضر امکانات مساعدی برای برطرف کردن این انشعاب فراهم میگردد. کامیابهای سوسیالیسم ثابت میکنند که فقط از راه تحول بنیادی جامعه میتوان به هدفهای نهائی طبقه کارگر رسید. در عین حال تاریخ بی نور بودن ربه و فرقیستی را ثابت کرده است. دولتهای سوسیال دموکرات در هیچ کشوری به مبانی سلطه سرمایه داری دست نزده اند. کارگرانیکه بدنبال سوسیال دموکراتها، بدنبال احزاب و اتحادیه های سرمایه داری میروند بیش از پیش بصورت برخورد طبقاتی بمسائل اجتماعی و بازم همکاری با کمونیستها در حل این مسائل پی میوزند. در شرایطی که جنبه واحد ضد انحصار رشد و تحکیم مینماید، هنگامیکه طبقه کارگر و متحدینش در جامعه وزن سیاسی روزافزونی بدست میآورند، امکان استفاده وسیعتر از حقوق و مؤسسات دموکراتیک برای مبارزه علیه سلطه انحصارها بوجود میآید. رفرتی های دموکراتیک که مبین منافع طبقه کارگر و قشر های ضحمتکشان نیمه پرولتر است و در تحت فشار توده ها انجام میگردد، موجب تحکیم مواضع نیروهای ترقیخواه میشود و پایگاه حمله قطعی مواضع سرمایه را توسعه میدهد. مبارزه برای توسعه حقوق توده های خلق در کشورهای سرمایه داری رشته مهمی از مبارزات و جزه لا ینفک مبارزه بغض سوسیالیسم است.

در تیرها از تأثیر انقلاب اکتبر در بسط و تکامل جنبش کمونیستی جهانی گفتگو میشود. با پیروزی

پیام بهمه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

در اوضاع و احوال کنونی کشور ما مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک عمده ترین و علمترین مبارزه سیاسی است و از انصاف مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی احزاب، سازمانها و اجتماعات، مبارزه در راه آزادی مطبوعات و عقاید، مبارزه برای لغو محاکم استثنائی نظامی و ارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی بمراجع عادی دادگستری، مبارزه در راه آزادی انتخابات، مبرترین وظایف ملی و مهم پرستان و آزادیخواهان ایرانیست. مجموع اقدامات و تدارکات رژیم در مورد انتخابات و از انجمله انتخابات مجلس مؤسسان که مأمور است اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی را تغییر دهد و اختیار تعیین نایب السلطنه را از مجلس سلب و پشاه منتقل سازد، از بیخ و بن غیر موجه، غیر قانونی و ناقص حقوق اساسی مردم ایرانیست. متمرکز کردن سه انتخابات در یکروز بر خصلت اختناق آمیز و غیر دموکراتیک جریان انتخابات باز هم میافزاید. بهمین سبب در مرحله کنونی مبارزه علیه صحنه سازی انتخابات تحمیلی و اشتهاء اعمال غیر قانونی و تجاوزات خودسرانه رژیم در مورد حقوق انتخابی مردم ایران اهمیت خاصی کسب میکنند و وظائف سنگینی بعهدہ احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک قرار میدهد.

با وجود محیط اختناق که در ایران حکمفرما است، امکانات متعددی چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه اشتهاء تقلبات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم، بمنظور بیدار کردن مردم و بسیج آنها برای دفاع از حقوق و آزادیهای خویش استفاده نمایند. میتوان و باید از کلیه وسایل: از مراجع سازمانهای بین المللی، سازمان ملل متحد، به جماع دفاع از حقوق بشر، بهمه احزاب اکتبر، پرولتاریای جهان بصورت حزب طراز نوین، حزب عمل انقلابی، حزبی که مجهز به تئوری مارکسیستی - لنینیستی بوده در رأس توده ها قرار گیرد؛ اطمینان یافت.

در ایجاد و تحکیم احزاب کمونیستی انترناسیونال کمونیستی که بهشتکارترین تشکله شدن نقش عظیمی ایفا کرد. طی نیم قرن گذشته جنبش کمونیستی جهانی به نیروی عظیمی مبدل گردید، اینک در هر کشوری که طبقه کارگر هست عملا حزب کمونیست وجود دارد.

تجربه نیم قرن گذشته ثابت کرده است که نیروی جنبش کمونیستی در وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم است. بدون داشتن در باره کمونیسم، جنبش کمونیستی نیست و نمیتواند باشد. پیشاهنگ کمونیستی طبقه کارگر کشور های سوسیالیستی، کشورهای سرمایه داری و کشورهای نو استقلال با تدوین استراتژی و تاکتیک خود میراث اکتبر را غنی میسازند. نتیجه کار مشترک، جمعی و خلاق مارکسیست - لنینیست ها خط مشی عمومی است که طی اعلامیه های جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ تدوین شده است. مبرترین مسئله جنبش کمونیستی جهانی تأمین وحدت صفوف این جنبش بر اساس مارکسیسم - لنینیسم است.

در تیرها ضمن تشریح اصول بنیادی سیاست خارجی دولت شوروی گفته میشود که انقلاب کبیر اکتبر به تغییرات اساسی در سیستم مناسبات بین المللی منجر شد. سیاست خارجی امپریالیستی را دچار بحران عمیقی کرد، اصل صلح و امنیت بین المللی، برابری دوستی و همکاری خلقها را اعلام نمود، مبارزه بین سوسیالیسم و امپریالیسم به محور تمام سیاست جهان مبدل گردید.

خلق و حزب لنینی اتحاد شوروی با انقلاب اکتبر مشعل سوسیالیسم را برافروختند و دوران نوینی را در تاریخ بشریت افتتاح کردند. سوسیالیسم که در قرن ۱۹ از آرزو به علم مبدل شده بود در قرن بیستم با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پراتیک اجتماعی و سیاسی توده های میلیونی زحمتکشان گردید. در تیرهای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بمناسبت پنجاهمین سال انقلاب اکتبر سرانجام گفته شده است: نیرو های کمونیسم بشمار است زیرا حقیقت زندگی بجانب آنست. فقط کمونیسم قادر است که مسائل بنیادی تکامل اجتماعی را حل کند، بشریت را از ستم و استثمار، گرسنگی و فقر، از میلیتاریسم و جنگ رهائی بخشد و دموکراسی، صلح، دوستی بین خلقها و زندگی شایسته انسان را در کره زمین برقرار سازد.

حزب توده ایران گرم فعالیت است

مجبور شده اند به «کشف شبکه حزبی» و دستگیری «سران توده» در گوشه و کنار کشور اعتراف کنند. محاکمه چندی پیش رفقا حکمت جو و خاوری و یارانشان و کشف کنونی مطبوعه حزب دلالت تازه ایست.

هیئت حا که حق دارد متحیر شود؛ چرا احزاب دولتی باین آسانی منقرض میشوند و یک حزب انقلابی در زیر کوهی از فشار خوردنمی شود، در در یابی از خون غرق نمیکردد، علت چیست؟ علت آن برای ما روشن است: راه حزب توده ایران حق است. آنهایی که بدان میسوندند باین راه حق باور دارند. حقانیت و ایمان - چنین است دوسر چشمه نیروی لایزال حزب ما.

در جریان کشف مطبوعه دوتن از کارکنان مطبوعه آصف رزم دیده و صابر محمدزاده دستگیر شده اند. این افراد شریف اکنون در چنگ پلیس خون آشام ایران گرفتارند. موافق قانون اساسی هیچ جرمی متوجه این افراد که ناشرومحرر روزنامه نستند، نمیکردد. ناشر و محرر روزنامه حزب توده ایران است. موافق قانون اساسی هیچ جرمی بسبب نشر آزادانه مطبوعات متوجه حزب ما نیز نیست. این دولت است که بسبب سانسور و مینزی مطبوعات و مداخله در امور آن و توقیف آن و توقیف غیر قانونی کارکنان مطبوعه مجرم است.

اگر دفاع از حق جرم است، این جرمی است که در گذشته حزب ما «مرتکب» شده و در آینده نیز با سرسختی تمام «مرتکب» خواهد شد. هیچ فشاری قادر نیست ما را از این راه منحرف کند.

جا دارد افکار عمومی جهان و ایران به توقیف غیر قانونی رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده اعتراض کند.

رفقای توده ای، مردان و زنان آزاده ایرانی، در هر جا که هستید با ننگ خود را بدفاع از این دو کارگر شریف بلند کنید. از رژیم بخواهید که فوراً آنها را آزاد کند و به خودسری و نقض دائمی حقوق دموکراتیک مردم ایران خاتمه دهد.

درد گرم به رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده!

مجلس مؤسسان بصندوق اندازد. بدیهی است شرکت واقعی نمایندگان سازمانهای دموکراتیک محلی و بین المللی و روزنامه نگاران خارجی در این تظاهرات نقش مؤثری بازی میکنند و میتوانند جریان مزبور را به کارزار بسیار وسیعی علیه رژیم ضددموکراتیک تبدیل نمایند. کمیته مرکزی حزب توده ایران بنوبه خود حاضر است در مورد چگونگی اجراء این امر و همچنین راجع بکلیه مسائل مربوط به نبرد انتخاباتی کنونی با عموم احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک همکاری کند و آنچه نیرو دارد برای پیشرفت منظور مشترک بکار برد.

برای تأمین این منظور و تنظیم نقشه متحد و اجراء هر چه سریعتر آن بر اساس تقسیم کار، حزب ما برای هرگونه تماس با احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک آماده است و اطمینان دارد که با کوشش همه جانبه و مشترک در این مبارزه میتوان موفقیت درخشان دیگری را برای جنبش ملی و دموکراتیک ایرانیان خارج از کشور بویژه برای نهضت دانشجویی تأمین نمود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۶

# اتحاد نامقدس چپ

شود که ما چه کسانی را چپ رو و چه کسانی را چپ نما میدانیم و می نامیم؟

**چپ روها** کسانی هستند که در ابراز تمایلات ملی و انقلابی خود صادق اند ولی به علل گوناگون که مهمترین آنها عبارتست از عدم تسلط کافی بر تئوری مبارزه و کمی تجربه سیاسی، دچار دکماتیسم و سکتاریسم میشوند و در نتیجه شعارهای غیر واقع بینانه و ماجراجویانه را مطرح میسازند. باید گفت که در اینجا تسلط روحیات ناسیونالیستی بورژوازی و خرده بورژوازی نیز نقش مهمی بازی میکند. چپ روها در ایدئولوژی و سیاست خود، بدرجات گوناگون، بطور کلی از سیاست و ایدئولوژی گروه مائوتسه دون پیروی میکنند.

**چپ نماها** کسانی هستند که در واقع ضد انقلابی و ضد کمونیست اند. در میان آنها حتی افراد مشکوکی وجود دارد که در ارتباط آنها با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی (سیا، اینتلجنس سرویس، سازمان جاسوسی آلمان غربی و غیره) و سازمان امنیت ایران تردیدی نیست. اینها زمانی آشکارا و از روبرو با

سازمانهای مترقی و انقلابی و ایدئولوژی و سیاست آنها مبارزه میگردند. ولی در دنیای ما که دفاع از سیاستهای ارتجاعی و مبارزه رو در رو با افکار انقلابی روز بروز دشوارتر میشود و در شرایطی که بیماری چپ روی در جنبش انقلابی و کمونیستی بروز کرده است، اینها نیز نقاب «انقلابی» بر چهره خود

زده اند و از «چپ» و همصدا با چپ روها سیاست ارتجاعی خود را از پیش میبرند. این از بدیده های جالب این ایام است که امپریالیسم در صدد بر آمده است با شعارهای «چپ» دروغین شعارهای چپ واقعی را با شکست روبرو سازد. باید باین تا کنینک مهم و خدعه گرانه امپریالیستی کاملاً توجه کرد.

بنا بر این نباید تصور کرد که سازمانها و گروههایی فقط چپ رو هستند و سازمانها و گروههایی فقط چپ نما. بلکه واقعیت چنین است که در بین تمام سازمانهای اپوزیسیون غیر توده ای، که همه در ظاهر ملی و انقلابی هستند، هم چپ رو وجود دارد و هم با کمال تأسف چپ نما. بدون تردید اکثریت مطلق

افراد وابسته به این سازمانها با حسن نیت و صادق اند. ولی در این نکته هم تردید نیست که عناصر مشکوک توانسته اند خود را در این سازمانها جا بزنند. یکی از مشکلات اصلی مبارزه با چپ روی در شرایط کنونی همین است، زیرا تشخیص بین عناصر صدیق و غیر صدیق در عمل بسیار دشوار و گناه غیر ممکن است.

مبانی اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها  
مشی چپ روانه ای که چپ روها اتخاذ کرده اند آنها را از نظر جهانی در برابر اتحاد شوروی و از لحاظ داخلی در برابر حزب توده ایران قرار داده است. جالب است که

# روها و چپ نماها

اگر تا چندین پیش چپ روها از مشی حزب توده ایران و اتحاد شوروی «انتقاد» میکردند، بتدریج که مواضع روشن تر و مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی حادث گردید، مبارزه با حزب توده ایران و اتحاد شوروی خصمانه شد، بطوریکه اکنون آشکارا اعلام میشود که «هدف اصلی» مبارزه، حزب توده ایران و اتحاد شوروی است.

این وضع زمینه بسیار مناسب برای چپ نماها فراهم کرده است. چپ نماها که همیشه هدف اصلی آنها مبارزه علیه حزب توده ایران و اتحاد شوروی بوده، اکنون میتوانند با استفاده از محیط چپ روانه و با توجه به اینکه هدف اصلی چپ روها نیز حزب توده ایران و اتحاد شوروی است، نقشه پلید خویش را از پیش ببرند، بدون آنکه در معرض اتهام همکاری با ارتجاع و امپریالیسم قرار گیرند.

در واقع این اتحاد نامقدس به این دلیل عملی شده و این پدیده زیان بخش و خطرناک به این جهت بروز کرده است که سیاست ارتجاعی قدیمی با نقاب جدید بیدان آمده و با سیاست چپ روها تلافی کرده است.

## ماهیت اتحاد چپ روها و چپ نماها و نتایج آن در عمل

برای آنها که خصومت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی و غرق شدن در تمایلات ذهنی بدیده بصیرتشان را کور نکرده این واقعیت تردید ناپذیر است که حزب توده ایران همچنان در پیشاپیش نیروهای ملی و انقلابی ایران بر ضد ارتجاع و امپریالیسم برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک پیکار میکند؛ این واقعیت تردید ناپذیر است

که اتحاد شوروی در رأس نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر ضد امپریالیسم مبارزه میکند. این واقعیت راهر روز حادثه ای در صحنه ایران و جهان زنده تر و آشکارتر میشود. بنا بر این مبارزه با حزب توده ایران و اتحاد شوروی - آنها بعنوان هدف اصلی - تلاش برای همکاری و اتحاد با همه کسانی

که به دلیلی در این مبارزه ذینفع اند، سیاستی است عمیقاً ارتجاعی، ضد ملی و ضد انقلابی. در اینجا متأسفانه دیگر آگاهی و نا آگاهی بر ماهیت و نتایج این سیاست نقش عمده ندارد. عمده آنستکه بجای گرد آوردن همه نیروهای ضد ارتجاع و ضد امپریالیست، بجای متمرکز کردن همه نیروها علیه رژیم

ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران، درست بر ضد آن نیروهای مبارزه میشود که پشاهانگ مبارزه بر ضد ارتجاع و امپریالیسم اند! در اینجا دیگر حرفها و شعارهای ماوراء انقلابی مهم نیست. نتایج عملی روشها و سیاستها مهم است. این نتایج عملی در یک کلمه عبارتست از تشدید تفرقه بین نیروهای ملی و بوجود آوردن «اتحاد» بر ضد انقلابیترین و مبارزترین جناح آن. و این یعنی تضعیف نهضت در مجموع خود. این یعنی کمک به

دوام رژیم و دوام تسلط امپریالیسم. هشدار به همه نیروهای ملی

## شکل بروز آنتی کمونیسم در ایران

مبارزه بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی است. امپریالیسم و ارتجاع بویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ حتی یک لحظه این هدف اصلی خود را در ایران فراموش نکرده اند. آنها تمام وسایل و اشکال را برای نیل باین هدف مورد استفاده قرار داده اند و میدهند. آنها حتی حاضرند زیر نام «کمونیسم» با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه کنند. آنها حتی آماده اند که انتقاد و مخالفت با خود را بپذیرند، بشرط آنکه در همانحال با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه شود. تمام نیروی مادی و معنوی آنها، تمام دستگاه جهانی آنها همراه با صدها میلیون دلار پول، بطور خستگی ناپذیری در این راه تلاش میکنند.

هشدار ما به همه نیروهای ملی - به همه آنها، بیکه بعثتی از غل، ولی بدون سوء نیت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی از در مخالفت درآمده اند، به همه چپ روها که صادقانه به آرمانهای ملی و انقلابی علاقمندند، اینست که با چشم باز، با واقع بینی، با بصیرت نتایج روش ضد توده ای و ضد شوروی را برای جنبش ملی و انقلابی مهن ما، برای مصالح عالی مردم مهن ما در حال و آینده بشگردند؛ به بینند که روش ضد توده ای و ضد شوروی نه عاقلانه است و نه واقع بینانه، نه ملی است و نه انقلابی. درک کنند که این روش، چه بخوانند و چه نخوانند، بزبان جنبش و بنفع دشمنان جنبش است.

هشدار ما اینست که عناصر سالم و با حسن نیت نگذارند از احساسات و تمایلات پاک و صادقانه آنها سوء استفاده شود، توجه داشته باشند که دشمن در میان آنهاست و از هر

تنها جواهرات معدومین جشن عروسی آقای القانان میلبونر مشهور ایرانی دهها میلبونر تومان ارزش داشت و کار آگاهان مأمور حفاظت این جواهرات بودند. مخارج عروسی در هتل و نیک به ۲۵۰ هزار تومان بالغ شد و خوانندگینها

## «هنگ الماس»

هنگ الماس - نام مناسبی است که به قشر ممتاز در جامعه های سرمایه داری داده شده است. بر فراز سیاه بی حد و قیاس فقر و افلاس، هنگ الماس قرار دارد. شکر که کشور ما از این بابت از «غرب طلایی» عقب نمانده است و اینروزها که تاجهای تازه ای را برای شاه و شهبانو ترصیع میکنند میلبونر های وطنی نیز بجلوه گری پرداخته اند.

هنگ الماس حق دارد کاملاً لایق باشد و خود را در مستی شامپانی و بخور عطر های خلسه آور فرقی کند؛ تختها و سر نیزه ها از آن اوست. قانون در برابرش سرعنود خود را خم میکند. روشنفکران وجدان فروش نبوغ خود را در پای او میزنند. در دوزخ بزرگ ایران این هنگ مالک گوشه هایی بهشتی است؛ استخر های کبود، بارهای پرشور، پارکهای خوشبو، پارتنی های پرنشاط.

ببارش عجب این هنگ الماس بنگرید؛ بارش آنها بر زاغه های بی نور، مزارع خشکیده، آرزوی اکدمال بیکاران، بیکریجان مجاهدان و شهیدان، سفره تهی کارمندان بی چیز، کارگاههای گردآلود پیشه و ران ورشکست... منارش پیروزمند هنگ الماس بر استخوان سیاه افلاس!

حرف و هر عمل آنها برای تشدید تفرقه بین نیروهای ملی سوء استفاده میکنند. بر حذر باشند از اینکه حساب آنها با حساب عناصر ناسالم و مشکوک که نقاب فریبنده ای بر چهره خود زده اند یکی شود.

## اتحاد مقدس نیروهای ملی و دموکراتیک

حزب توده ایران در برابر اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها اتحاد مقدس و واقعی همه نیروهای ملی و دموکراتیک را قرار میدهد. وظایف اعضا و هواداران حزب توده ایران و همه آن کسانی که به این اتحاد مقدس اعتقاد دارند سنگین و دشوار و طولانی است. اکنون باید در عین مبارزه بر ضد انحرافات گوناگون در نهضت، بیکار در راه اتحاد نیروهای ملی را در درجات گوناگون و در سطوح مختلف ادامه داد. هم باید چپ نماها را اقصاء کرد و هم باید چپ روها را با حوصله و متانت و بیگیری به نتایج زیان بخش روش آنها متوجه ساخت. این نکته را هم بار دیگر با قوت تمام باید تأکید کرد که حزب توده ایران با اینکه از اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها متأسف است، ولی مقابله با آنها علیرغم جار و جنجالی که اخیراً بعث تشدید مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک و سازمانی حزب ما بر ضد چپ روی، چپ نمایی و تفرقه افکنی، بر اه انداخته شده، وظیفه خود میدانند. حزب توده ایران طی یک ربع قرن زندگی خود طوفانی از حوادث را از سر گذرانده، از میان شکنجه و گلوله باران دشمن و اتهامات ناسزاهای او و همه مخالفانش گذشته ولی زنده است و به پیکار عادلانه خود ادامه میدهد. ما به پیروزی نهایی راه و روش خود ایمان داریم.

م. انوشه

تنها جواهرات معدومین جشن عروسی آقای القانان میلبونر مشهور ایرانی دهها میلبونر تومان ارزش داشت و کار آگاهان مأمور حفاظت این جواهرات بودند. مخارج عروسی در هتل و نیک به ۲۵۰ هزار تومان بالغ شد و خوانندگینها

# نامه سرگشاده رقفا حکمت جو و خاوری به نخست وزیر

اخیراً متن نامه سرگشاده رقفا حکمت جو و خاوری خطاب به آقای هویدا نخست وزیر بدست ما رسیده است. رقفا حکمت جو و خاوری در این نامه یک سلسله واقعات را در باره وضع زندانیان سیاسی افشاء میکنند و ضمناً براساس همبستگی انقلابی دست بدفاع از حق بنهاندگان سیاسی ایران در بازگشت بوطن میزنند. نامه رقفا حکمت جو و خاوری که باروش بیکار جویرانه درخورد تحسین نوشته شده است سند تازه است برروح شکست ناپذیر توده ایها. چه قبل از دادگاه بدوی و تجدید نظر و چه بعد از آن رژیم تلاش زیاد بکار برد تا از این رقفا اظهار ندامت بگیرد ولی آنها مرگ را از تسلیم گوارتر شمرده اند.

رقفای مبارز ما در زندان به این دو تن رفیق بیکار جو محدود نیستند. در زندان رقفائی هستند که اکنون از ۱۹ تا ۲۰ سال است در زندانند. عده ای از اعضاء سازمان افسری حزب توده ایران مدت ۱۲ سال است از زندانی به زندان دیگر اعزام میگردند: این رقفا حاضر نشدند تن به شکست و تسلیم بدهند و مانند کوهی استوار در سنگر خویش ایستاده اند.

نبرد رقفای زندانی ما، ایستادگی آنها، بانگ رسانی حق طلب آنها، همه همه شیفتهگان آزادی خواه در کشور و خواه در خارج الهام میدهد.

رونوشت به دادستانی ارتش - رونوشت به روزنامه اطلاعات - رونوشت به مجله امید ایران، جناب آقای نخست وزیر، بنا به تشخیص و رأی دادگاههای تابع دولت شما و اسلاف شما که بهر حال مسئولیت اعمال خلاف رویه و قانون آنها و عواقب آن تار و زیبکه برطرف نشود برعهده شمامست، عده ای افراد وطن پرست در چهار دیوار های تنگ زندانها و تبعیدگاهها بسر میبرند، اینها بجز عدالت خواهی، آزادی دوستی و میهن پرستی و داشتن عقاید مترقی و انساندوستانه، دچار بیعدالتی سلب هرگونه آزادی و محرومیت از خدمت بوطن گردیده اند. دولت شما نمیتواند از آن محلودیتهاییکه علاوه بر محدودیتها فوق نسبت بما زندانیان سیاسی اعمال میشود بی اطلاع باشد. امکانات فوق العاده محدود معالجه و مداوای بیمارانی که اغلب بنحو بسیار زنده و نشایستی ارائه میشود، محدودیتهای عجیب در ارسال و دریافت نامه برای زندانیانیکه سالها از دیدار فرزندان خود حتی از پشت میله های زندان محروم میشوند، محدودیت در امر دریافت کتاب و مطبوعاتیکه در داخل کشور اجازه طبع و نشر را پیدا کرده اند، ترتیب دیدار با خویشان که اغلب آنها سالخورده و بیماران و از پشت دورشته دیوار از میله های آهنین انجام میگردد هیچیک از آنها را ما شایسته خود نمیدانیم. هر یک از ما طی جریان محاکمات معموله باصل غیر قانونی بودن دادگاهها و عدم رعایت عادی ترین موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قوانین موجود کشور معترض بوده ایم.

دادگاههای تابع دولت شما قضاوت معمول خود را در اعمال و افکار ما قبل بکار برده اند. شاید این نامه هم مانند نامه های متعدد دیگر یکسره راه آرشوهای فراموشی را در پیش بگیرد ولی این امر نمیتواند مانع آن شود که گفتنیها ناگفته بمانند. ما بویژه در روز هائیکه سرتاسر تبلیغات دولت را موضوعات کوشش در راه بسط بهداشت، بسط فرهنگ و حمایت از کتاب و دانش پیروی از اصول اعلامیه حقوق بشر و حفظ رعایت حقوق فردی اشخاص فرار گرفته است. این را میخوانسیم جناب آقای نخست وزیر! آنچه در قرون وسطی و پانزدهمین سده مانده ترین کشور های جهان نسبت بمختلفان سیاسی دولتها میشد است، در دوران ما نسبت بانبگونه اشخاص اعمال میشود. شما میتوانی مطمئن باشید که هیچ فرد آگاه و انساندوست و میهن پرست واقعی را چه در داخل کشور و چه در خارج از آن نمیتوانید پیدا کنید که باحکام جابرانه و خلاف قانون دادگاههای مورد بحث ما صحنه بگذارد. شما میدانید که ما چه خواسته ایم و چه میخواهیم. شما میدانید که جرم عمده زندانیان سیاسی دولت شما و محکومین بجای وطن و کیمه سالها از منبع امید بازگشت بدامن مام وطن نیروی حیات و حرکت منگیزند چیست. آیا این دلیل و تنها همین یک دلیل برای اثبات انسان دوستی و میهن پرستی زندانیان سیاسی امروز شما کافی نیست که در قبال انتخاب مرگ یا دست کشیدن از عقیده، مرگ را برترک عقاید میهن پرستانه و بشر دوستانه خود ترجیح داده اند؟ آیا شما میدانید که در دولت شما مجازات داشتن « قعدونیت » برای مخالفان سیاسی اعدام و یا مادام العمر محروم ساختن از آزادی آنها در شرایطیکه مختصراً ذکر شده تعیین میکنند. دولت شما ما را مضر بحال منافع کشور و حتی خیانت پیشه معرفی

## همکاری سازمان امنیت و پلیس اتریش

از چندی پیش سازمان امنیت به اعمال فشار جدیدی پر ضد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور دست زده است. جالب است که این فشار در اتریش « بیطرف » بیشتر بچشم میخورد. مأموران سازمان امنیت در سفارت ایران در اتریش با همکاری پلیس اتریش بهانه های گوناگون در مورد تمدید گذرنامه و اقامت دانشجویان ایرانی، بویژه آنها که فعالیت صنفی و سیاسی دارند، اشکال تراش میکنند و آنها را تحت فشار و مضیق قرار میدهند. این فشار در ایران بصورت تهدید خانواده های دانشجویان و واداشتن آنها بقطع کمک مالی برای فرزندان آنها تظاهر میکند. تکلیف مردم ایران با سازمان امنیت روشن است. ولی همکاری پلیس اتریش با سازمان امنیت ایران بجز ضد دانشجویان ایرانی موجب تأسف است و از جانب مردم ایران شرکت در اعمال غیرقانونی سازمان امنیت ایران و نقض آشکار بیطرفی اتریش تلقی میشود. ما به این اعمال غیر قانونی شدیداً اعتراض میکنیم. در همانحال ما توجه همه دانشجویان و سازمانهای دانشجویی، فدراسیونها و کنفدراسیون را به این اعمال فشار جلب میکنیم و آنها را بمبارزه متحد برای دفاع از حقوق دانشجویان و اعتراض به بقانونها دعوت میکنیم و سودمند میشریم که این سازمانها طی نامه مستندی مقامات اتریش را از جریان آگاه سازند و ناسازگاری این روش را با سیاست بیطرفی اتریش متذکر گردند. بویژه در این مواقع است که سازمانهای دانشجویی باید موجودیت خود را بعنوان مدافع حقوق دانشجویان به اثبات رسانند.

## میتینگ دانشجویان آلمانی و خارجی در شهر رستک

بنا با اطلاع مندرجه در روزنامه های «اوستزه»، «دمکرات»، «منطقه بندر رستک» جمهوری دمکراتیک آلمان در تاریخ ۲ شنبه ۳ ژوئن میتینگ بنابعد دعوت دانشجویان ایرانی مقیم رستک از دانشجویان آلمانی و خارجی تشکیل شد. در این میتینگ به اقدامات وحشیانه پلیس آلمان بمناسبت سفر شاه اعتراض گردید و تلگراف اعتراض آمیزی برای کیزینگر صدر اعظم جمهوری و مراجع دیگر ارسال شد و شرکت کنندگان میتینگ نامه تسلیتی خطاب به بانو اونوزرگ دانشجوی شهید آلمانی بدین مضمون ارسال داشتند: « مراتب تأثر و تأسف عمیق خود را بمناسبت مرگ همسرتان ابراز میداریم و شما اطمینان میدهمیم که هرگز نام «اونوزرگ» از لوح ضمیر ما زودده نخواهد شد. دانشجویان آلمانی و خارجی دانشگاه رستک».

ناگوار است که دیگر علاج سریع و مبرم خود را طلب میکند. کشوری نظیر اسپانیا فاشیست حتی ناچار شد بصدای اعتراض مردم و عدم رضایت آنها گوش فرادهد و بمهاجرت هردنک میهن پرستان اسپانیولی خاتمه بخشد. شما اگر قدری برای شنیدن این اعتراض دقیق تر گوش کنید بخوبی بوجود آت بی خواهید برد. بگذارید که این درد از توانایی و نیروی ضروری مردم کشور ما در لحظات حاد تاریخی نکاهد. ما در وضع خاص خود که بر شما پوشیده نیست وظیفه خود دانستیم که نظر شما را بموضوعات مطروحه در فوق که قطعاً در سرنوشت آینده میهن ما و چگونگی حل آنها اهمیت ویژه ای خواهد داشت جلب کنیم با احترامات فائقه پرویز حکمت جو - علی خاوری

## دراهم عفو عمومی مبارزه کنیم

یکی از شعارهای مبرم حزب ما مبارزه بافراخیم که «عفو عمومی» (که معادل لغت «آمنیستی» اروپائی است) هیچچوجه بمعنای طلب غفران و آمرزش از آستان هیئت حاکمه نیست. هر گروه گز انقلابیون و آزادیخواهان بسبب دفاع از حق مردم از غاصبین این حق طلب آمرزش نمیکند و اگر کسی چنین کند شایسته نام والای انقلابی و مترقی آزادخواه نیست. ولی سازمانهای انقلابی و موکراتیک، عناصر مترقی و آزادیخواه حق دارند و باید در دورانی که یکسلسله احکام جابرانه جمعی و فردی صادر شده و گروه کثیری به حبس و تبعید و جلاء وطن محکوم و مجبور شده اند از هیئت حاکمه بخواهند این وضع اختناق آور غیرعادی را با گذراندن قانون عفو عمومی یعنی قانون الغاء یکباره مسمتی احکام جابرانه، جبران کند. در اصطلاح سیاسی و قضائی غیر از این واژه دیگری برای این مفهوم نیست.

بهین جهت حزب ما در این دوران که تعداد کثیری محکومیت های ظالمانه طی دوران سلطنت محمد رضا شاه ذخیره شده است و دهها هزار نفر در زندانها، تبعیدگاهها و جلاء وطن اجباری رنج میبرند، شعار مبارزه در راه عفو عمومی را مطرح میکند و در طرح این شعار کاملاً ذبح است.

این یک شعار مبارزه است نه یک شعار تقاضا و استرحام و استمداد. هیئت حاکمه در شرایط کنونی برای گذراندن قانون عفو عمومی از مجلس آماده نیست. آنچه که در این روزها بنام «لایحه عفو» از تصویب شورا و سنا گذشته ماده واحد نم بند و مبهمی است که بدولت اختیار میدهد در کادر قوانین موجود تصمیماتی در باره تخفیف مدت حبس عده ای از زندانیان بگیرد. این جریان در حکم اجرا کمابیش وسیع تر همان «عفوهای ملوکانه» است که هر چندی بیکار انجام میگردد. مردم ایران و عناصر انقلابی و مترقی این بخشایش گری ملوکانه را خواستار نیستند. آنها خواستارند که بر روی کوهی احکام ظالمانه و ضد قانون اساسی قلم ابطال کشیده شود. دستگامهای تبلیغاتی آشکار و نهانی رژیم مدتی است بندگان باطل «عفو عمومی» را که گوید بروتوی «رافت ملوکانه» و در جریان تاجگذاری انجام خواهد گرفت بخش میکنند. تودهها همیشه در مقابل این قبیل پندارهای تهی هشاری و واقع بینی سیاسی نشان داده اند. در مقابل شایعات کنونی عمال رژیم نیز وضع غیر از این نیست و نخواهد بود. برای تحقق یک مبارزه صحیح در راه عفو عمومی باید افکار عمومی ایران و جهان از وضع زندانیان و تبعیدیان و مهاجران سیاسی و بی قانونی صرف و رژیم پلیسی در ایران آگاه گردد، کمیته های عفو عمومی تشکیل شود، مبارزات مشخص وسیع صورت گیرد. فقط فقط چنین مبارزه ای، همراه با بسط عمومی جنبش رهائی بخش کشور ما میتواند و قادرست طی زمان شعار عفو عمومی را از صورت یک شعار تجریدی بصورت یک شعار عملی در آورد.